

عنوان مقاله:

بررسی کودکان استثنایی دچار اختلال شخصیت و راههای درمان آن

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سمیه سادات حسینی - کارشناس

خلاصه مقاله:

نه روانکاری و نه رفتارگرایی از استعداد بالقوه ی آدمی برای کمال، و آرزوی بهتر و بیشتر شدن از آنچه هست بحثی نکرده اند. در واقع این نگرشها تصویر بدبینانه ای از طبیعت انسان به دست می دهند. رفتار گرایان آدمی را پاسخگوی فعلیذیر محرک های برونی و روانکاوان او را دستخوش نیروهای زیست شناختی و کشمکشهای دروه ی کودکی می پندارند. شخصیت سالم چیست؟ دارنده ی شخصیت سالم چه ویژگی هایی دارد؟ رفتار و تکفر و احساس چنین آدمی چگونه است؟ آیا ما می توانیم شخصیت های سالمی بشویم؟ نه تنها روانشناسان، بلکه میلیونها تن از مردم پیش از پیش پاسخ این پرسشها را می جویند. مردم بسیاری برای کاوش و نمایش درون خود به عنوان درمانهای گروهی پناه می برند. گرفته تا چاق و لاغر، ظاهرا با چنین تجربه هایی ابعاد وسیعتر و استعدادهایی را در شخصیت خود می یابند. که هرگز از وجود آنها آگاهی نداشته اند. هدف این مقاله فوق العاده محبوب دست یافتن به شخصیتی سالمتر و تعریق کردن آن است. تاکید این جنبش آن قدر که بر رهایی منابع پنهان استعداد و خلاقیت و نیرو و انگیزش است بر درمان کشمکشهایی دوران کودکی یا جراحتهای عاطفی گذشته نیست. کانون توجه این جنبش این است که آدمی چه می تواند باشد، نه اینکه چه بوده یا اکنون چه هست. حامیان جنبش استعداد بشری سطح مطلوب کمال و رشد شخصیت را فراسوی «بهنجاری» می دانند و چنین استدلال می کنند که تلاش برای حصول سطح پیشرفته کمال برای تحقق بخشیدن یا از قوه به فعل رساندن تمامی استعدادهای بالقوه ی آدمی ضروری است. به سخن دیگر، رهایی از بیماری عاطفی یا نداشتن رفتار روانپریشانه برای اینکه شخصیتی را سالم بدانیم کافی نیست. نداشتن بیماری عاطفی تنها نخستین گام ضروری به سوی رشد و کمال است. و انسان پس از این گام راهی دراز در پیش دارد. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه ای می باشد.

کلمات کلیدی:

شخصیت، سالم، بزرگسالان، دیدگاه ها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1944422>

